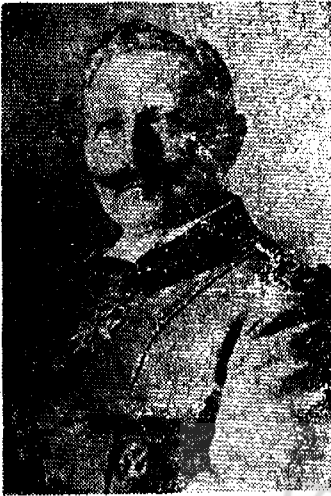


«رقابت‌های قدرتهای

بزرگ در ایران»

۱۹۱۸ - ۱۹۴۸

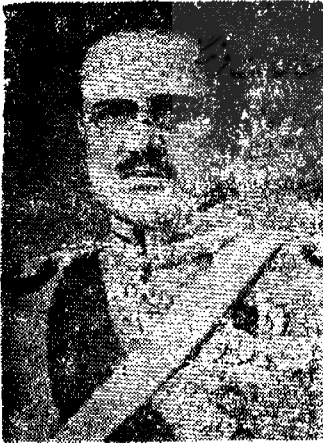
- ۲ -



سفارتخانه‌های آلمان و اطریش و مجارستان از تهران به قم منتقل شدند و عده زیادی از نمایندگان مجلس و دیگر سیاستمداران ایرانی برهبری سلیمان میرزا بقم مهاجرت کردند و در قم تحت سرپرستی پرنس روئیس کمیته‌ئی بنام «اتحاد اسلام» تشکیل دادند تا از این طریق افراد آزاده و وطن پرست را بر علیه مظالم روس و انگلیس بسیج نمایند.

ویلهلم دوم

انتخاب شهر قم برای این مقصد از يك سياست زیر کانه الهام گرفته بود زیرا که این شهر مقدس مرکز و مرجع تقلید شیعیان ایران می باشد و در حقیقت آلمانها با تلاش و کوشش فراوان تبلیغ می کردند که آلمانها طرفدار مسلمانان می باشند و هنگامیکه قیصر در سال ۱۸۹۸ از شامات بازدید بعمل آورد با استقبال گرم و پرشور مسلمانان آن سامان مواجه گردید و بهمین دلیل هم دستگاه تبلیغاتی آلمانها نیز از این احساسات مسلمانها جداگانه استفاده را بعمل می آوردند.



اتحاد خلیفه عثمانی با آلمانها وسیله دیگری بود که دستگاه تبلیغاتی آلمان نیز جداگانه استفاده را از آن نموده حتی آنها شایع کرده بودند که قیصر مسلمان شده است. قدرت تبلیغاتی و قوه ابتکار آلمانها محدود و حصری نمی شناخت و برای مثال حتی به ایرانها گفته بودند که آلمانها یک تیره از نژاد کرمانهای ایران می باشند یعنی «ژرمنی‌های کرمان»

پرنس روئیس

با وجود اختلافات مذهبی بین فرق سنی و شیعه خلیفه عثمانی فرمان جنگ مقدس جهاد را بر علیه انگلستان و هم پیمانانش صادر نمود و ملاهای ایران نیز مردم را بقبول و اجرای این فرمان ترغیب مینمودند و ضمناً عده زیادی از روحانیون ایران از فتوای جهاد طرفداری

نمودند .

با پیشروی قشون عثمانی بفرماندهی ژنرال واندر کولتر پاشا بطرف کردستان ایران پرنس روس و وزیر مختار آلمان در ایران با اتفاق عده‌ای از ایرانیان بطرف کرمانشاه کوچ کردند و در کرمانشاه ظاهر آرمیس ژرمن فیلها نظام السلطنه يك حڪومت موقتی تشكيل داد و بدینوسیله با دولت قانونی تهران بمخالفت برخاسته بود (۱)

این اقدامات در اثر فعالیت‌های دیپلماسی پرنس روس و وزیر مختار آلمان در ایران



نظام السلطنه و اعضای حکومت موقتی

سورت گرفت و از طرفی کنت کنیز «CONT KANITZ» وابسته نظامی ستاد ارتش آلمان در ایران تحریکاتی بمنظور طغیان و شورش بر علیه متفقین در استانهای ایران بعمل نیاورد و بالاخره او موفق شد که اسرای آلمانی و اطریشی را که از بازداشتگاههای روسها فرار کرده و به ایران پناهنده شده بودند جمع آوری و مسلح نموده يك قوای نظامی کوچکی زیر نظر خود بسیج نماید و در ضمن او به قوای نظامی ویژه‌ای که در آلمان برای سابوتاژ و خرابکاری به این منطقه اعزام شده بودند نیز کمک می‌کرد این دسته‌های مسلح با «واسموس» و «وژوک‌مایر» و «نیدرهایر» در تماس بودند .

قبل از آغاز جنگ «واسموس» در سمت کنسول آلمان در بو شهر بکار گمارده شده بود و در آنجا روابط نزدیکی با عشایر جنوب ایران برقرار نمود . در آغاز جنگ جهانی او بدستور ستاد ارتش آلمان به جنوب ایران عزیمت نمود تا عشایر آن منطقه را بر علیه انگلیسی‌ها بشوراند و از طرفی دیگر مأموریت داشت که در مخازن نفت ناوگان دریائی انگلیس سابوتاژ و خرابکاری نماید تا از این طریق روحیه قوای نظامی انگلیسها را در جبهه میسو پوتامیا در مقابل قوای عثمانی و آلمان تضعیف نماید .

واسموس از این تهور و شهامت ذاتی خود بحد کافی بهره‌برداری نمود و ملقب به

۱ - در هیئت حکومت موقتی نظام السلطنه رئیس و مسئول جنگ - ادیب السلطنه
وزیر داخله - کلوب وزیر مالیه - مدرس عدلیه - محمد علی خان مافی - خارجه - میرزا
قاسم خان پست و تلگراف - امان‌اله اردلان قوائد عامه و تجارت . (۴ - ۱)



واسموس آلمانی

لورنس آلمان گردیده و نهایت کوشش و جدیت را بعمل آورد تا وظایفی را که بمعهده او محول شده پنجو بارزی انجام دهد او در اثر شاهکارهای برجسته و در عین حال زیر کانه اش موفق شد با طوایف تنگستان (۱) و عشایر مقتدر قشقائی فارس و عده‌ای از عشایر بختیاری را که بشیوه سنتی طرفدار انگلیس ها بودند بطرف آلمانها جلب نماید (۲)

در این اقدامات و فعالیت‌ها کنسول آلمان و نماینده اقتصادی آلمان در جنوب ویرا نیز همراهی و مساعدت مینمودند و در حقیقت قبل از تأسیس تجارتخانه و کورس «WONCK HAUS» اقداماتی جهت منفجر نمودن تأسیسات نفتی آبادان و بصره به عمل آورد که بنتیجه مطلوبی نرسید.

واسموس همچنین با همکاری عده‌ای از عشایر دلبر و سلحشور جنوب به بندر بوشهر حمله برد و از جنبش و فعالیت‌های نماینده انگلیس سرپرسی کاکس «SIR PERCY COX» و قوای هشت هزار نفری هندی او جلو گیری بعمل آورد. و در ضمن با کمک و مساعدت «واسترو» «WUSTROW» کنسول آلمان، وارد شیراز شد و کنسول انگلیس را با چهارده نفر دیگر از تبعه انگلیس با اتفاق اعضاء و کارمندان بانک شاهی انگلیس در شیراز به اسارت گرفت و برای مدت مدیدی آنها را در یک قلعه گلی دره اهرم، جنوب فارس بازداشت نمود. بنابر این با این پیش آمدها انگلیسها در نهایت دقت و مواظبت تأسیسات نفتی خود را در خوزستان محافظت مینمودند و اجباراً عده‌ای از قوای نظامی خود را بجنوب ایران اعزام داشتند که در نتیجه قدرت دفاعی آنها در جبهه میسو پوتامیا تضعیف شده و بهمین دلیل در آوریل ۱۹۱۶ ژنرال تون شند «TOWN SHEND» و دوازده هزار نفر سپاهیان

۱ - حوادث دلووار و شجاعت‌های علی خان دلواری و شیخ حسین خان چاه کوتاهی یکی از حماسه‌های پرشکوه ملی تاریخ اخیر ایران بشمار می‌آید وقتی نقالان قهوه خانه‌ها نیز اشعار حماسی، در مدح جنگجویان دشتستان و تنگستان می‌خواندند. نگاه کنید بکتاب دلیران تنگستان تألیف رکن زاده آدمیت (م - ۱)

۲ - از خواتین بختیاری بیش از همه ابراهیم خان ضرغام السلطنه و بی بی مریم خواهر سردار ظفر بطرفداری از آلمانها برخاسته بودند (م - ۱)

در «کوت‌العماره» به اسارت ترکها درآمدند. (۱)

یکدسته هم بسپرستی «زوک‌مایر» «ZUG MAYER» و «نیدر‌مایر» «NIEDER MAYER» نیز در شمال ایران بفعالیت پرداخته و با کمک کنسول آلمان در کرمانشاه و همدان نیز مانند واسموس «WASSMUS» بکوشش و تلاش فراوان دست زدند تا عده‌ای از عشایر آن سامان را با خود هم‌عقیده نمودند. بویژه آنان در میان کردها بخاطر همبستگی مذهبی (سنی‌گری) که با ترکها داشتند موفقیت‌های چشمگیری بدست آوردند و کردها همکاری‌های ارزنده‌ای با عثمانیها و متحدین آن انجام دادند.

میسون «نیدر‌مایر» تنها بفعالیت خود در ایران اکتفا ننمود بلکه دامنه‌فعالیت‌های خود را تا افغانستان و دروازه‌های هندوستان گشاید او بعد از یک مرحله مسافرت‌های فرساینده و خطرناک خود را بکابل رسانید و کوشش کرد تا مساعدت امیر حبیب‌اله را بطرف آلمانها جلب نماید ولی امیر حبیب‌اله از پیشنهادات او استقبال بعمل نیاورد.

نیدر مایر اغلب اوقات از افغانستان خارج می‌شد (۲) ورقای او «ون‌هینگ»

۱ - برای اطلاع بیشتر نگاه‌کنید به کتاب واسموس لورنس ایران تألف کریستو-

فرسایکس چاپ لندن ۱۹۳۶ «نویسنده»

توضیح کریستوفر سایکس در مقام وعظمت «واسموس» می‌نویسد: او یک‌ته و بدون سلاح امپراطور انگلیس را بمبارزه طلبید و وقیمت عثمانیها در ۱۹۱۶ بیشتر مدیون ابتکارات واسموس بود.

نکنه قابل ذکر این است که واسموس صرفنظر از شجاعت و تهور ذاتی، بشفاعت و تمهیدات شخصی خود نیز سخت پایبند بود. بعد از جنگ جهانی در سال ۱۹۱۹ او به آلمان رفت و در موطن اصلی خود ساکنون اقامت نمود و پیاداش خدماتش وی را بریاست اداره امور شرق منصوب نمودند ولی مصرانه از دولت آلمان می‌خواست تا مبلغ چند هزار (بقیه زیر صفحه ۳۱۵)

۲ - نیدر مایر وقتی متوجه شد که امیر حبیب‌اله می‌خواهد با آلمانها همکاری نماید لامحاله فعالیت خود را در افغانستان محدود کرد وی از کابل و از طریق جبل‌هندوکش بطرف ترکستان و چین عزیمت نمود و از آنجا از راه سرخس و مشهد و از تهران بهمدان که باشغال قوای محلی پات سردار ترک درآمده بود رفت و از همدان در موقع عقب نشینی ترکها بکرمانشاه عزیمت نمود و از آنجا به آلمان احضار شد.

نیدر‌مایر پانزده روز میهمان امپراطور ویلهلم و بدست او مقتخر بدریافت نشان

گردید.

امپراطور باوگفت: اگرچه شما بمقصد نهائی نرسیدید ولی شما و واسموس بتعداد را برای مدت یکسال نجات دادید و پیروزی «کوت‌العماره» را ممکن ساختید و شجاعت و شهامت شما دونفر موجب افتخار ابدی آلمان است.

برای اطلاع بیشتر نگاه‌کنید به کتاب ایران در جنگ بزرگ تألیف هورخ‌الدونه

«VAN HETIG» و «HOHR» و هر «HOHR» برای مدتی در افغانستان اقامت نمودند و خود را به پناهیر و جبال هندوکش رسانیدند و در آنجا عده‌ای از سربازان آلمانی و اطریشی را که از بازداشتگاههای روسیه فرار کرده بودند بدور خود جمع نموده و دسته کوچک مسلحی تشکیل دادند. باینکه آندو بعدها افغانستان را ترک گفتند و مهذا کوشش‌های آنان باعث گردید که در اواخر جنگ طرفداران امپراطوری آلمان و سایر فرقه‌های سیاسی مجدداً فعالیت‌های تازه‌ای را در آن کشور آغاز نمایند. و هنگامیکه این فعالیت‌های گمراه‌کننده و خرابکاران رخ می‌داد حکومت ایران در تهران نه مایل بود و نه می‌توانست که اوضاع کشور را بحال عادی برگرداند و نه قادر بود نظم و قانون را در قلمرو کشور مستقر سازد و حتی ارباب و تهدیدهای دولت‌های روسیه و انگلیس نسبت به دولت ایران و عواقب‌های دیپلماسی خارجی آنها کوچکترین ارزشی در برابر اقدامات متحدین نداشت.

سیاست اصلی متفقین این بود که بیطرفی کامل ایران را حفظ نمایند و از طرفی فعالیت‌های نظامی متحدین را نیز در ایران خنثی نمایند ولی سرانجام این کار به نتیجه نرسید زیرا صرف‌نظر از بعضی مشکلات و گرفتاریهای دیگر تنها تشکیلات منظم نظامی ایران یعنی قوای ژاندارمری بحمايت از آلمانها برضد دولت ایران شورش نمود و از سوی دیگر افسران سوئدی نیز وابستگی خود را به تشکیلات ژاندارمری اعلام داشتند با این ترتیب اصل بیطرفی ایران مورد تهدید قرار گرفت و پرنس روس و وزیر مختار آلمان در تهران آشکارا از ژاندارمری درخواست کرد تا با کمک «واسموس» شعبه بانک شاهی انگلیس در شیراز را اشغال نمودند.

بنابراین دستورات دولت تنها در مناطقی اجرا می‌شد که تحت اشغال قوای نظامی روس و انگلیس بود ولی این موضوع چندان مورد طبع و رضایت متحدین نبود چرا که این اقدامات تا اندازه‌ای عملیات نظامی آنها را در جبهه‌های اصلی تضعیف نموده توجه آنها را به جای دیگر معطوف می‌نمود.

بر خلاف عدم موفقیت و شکست سیاسی و نظامی دولت ایران نه به متفقین اعلان جنگ داد و نه راه هندوستان را بروی متحدین باز کرد بنابراین این توطئه و تحریکات آلمانها مزاحمت و دردسرهایی برای دولت‌های روس و انگلیس فراهم نمود که در اثر این مداخلات و اتفاقات تأثیرات سوئی در عملیات لشکرکشی میسوپوتامیان بوجود آورد و در نتیجه یک محیط پراز سوءظن ضد روسی و انگلیسی در کشور ایران بجا گذاشت که زمینه نفوذ بعدی آلمانها را در ایران فراهم نمود.

بقیه حاشیه از صفحه ۳۱۳

لیره‌ای که شخصاً در مقابل خوانین تنگستانی تعهد کرده پرداخت شود لیکن وزارت خارجه شکست خورده آلمان قادر به پرداخت این وجه نبود و اسموس مدعی بود که شرافت آلمان در گرو قولی است که او بخوانین ایرانی داده بالاخره واسموس با سرسختی زیاد معادل پنج هزار لیره از دولت آلمان گرفت و در سال ۱۹۲۴ وارد بوشهر شد تا با این پول و تهیه وسایل موتوری زراعت تنگستان را توسعه دهد و از عایدات سالیانه، دین خود را نسبت به خوانین تنگستانی ادا نماید ولی در اثر تحریکات عده‌ای از خوانین برای دریافت پاداش خود و اثاث او را بحراج گذاشتند و روح آن مرد بزرگ را جریحه دار نمودند بالاخره او در سال ۱۹۳۱ با قلبی خسته و پرانده عازم برلین گردید و روزهای آخر عمر خویش را در کشورش بپایان رسانید.

برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب کریستوفر سایکس و یادداشت‌های محمد باقر تنگستانی و کتاب ایران در جنگ بزرگ (م - ۱)